

سرشناسه: شیخ ویسی، محمد ابراهیم، ۱۳۳۵ -

عنوان و نام پدیدآور: دل پاره های دریا

مشخصات نشر: تهران: روزگار، ۱۳۹۴.

مشخصات ظاهری: ۱۶۶ ص

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۳۷۴-۵۶۶-۰۰

وضعیت فهرست نویسی: فبیای مختصر

یادداشت: فهرست نویسی کامل این اثر در نشانی: <http://opac.nlai.ir> قابل دسترسی است.

کتابشناسی ملی: ۲۸۷۸۷۴۹

■ نام کتاب: دل پاره های دریا

■ نویسنده: محمد ابراهیم شیخ ویسی

■ ناشر: انتشارات روزگار

■ طراح جلد: پرپسا عزیزی

■ صفحه آرا: ریحانه تابش خو

■ چاپ اول: ۱۳۹۴

■ شمارگان: ۱۰۰۰ جلد

■ قیمت: ۱۱۵۰۰ تومان

■ چاپ و صحافی: مهر

■ شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۳۷۴-۵۶۶-۰۰

■ نشانی دفتر و فروشگاه: خ انقلاب - خ دانشگاه - جنب شهد مرکز خرید دانشگاه طبقه

زیر همکف - پلاک ۴

تلفن: ۰۹۱۲۲۰۳۷۳۵۴ - ۶۶۹۵۸۱۴۰

[www.ruzegarpub.ir](http://www.ruzegarpub.ir)

[ruzegar.no@gmail.com](mailto:ruzegar.no@gmail.com)

## اشاره‌ی ناگزیر

اتفاق شگفتی است: "دل‌پاره‌های دریا" را خود نویسنده سر هم نوشته بود "دلپاره‌های دریا" و من بر اساس رسم الخط جدید و بر اساس مفهوم به عنوان صفت و موصوف مغلوب، آن را به صورت "دل‌پاره‌های دریا" یعنی پاره‌های دل، یعنی اخگرهای آتشین که دل "محمد ابراهیم شیخ ویسی" را گداخته‌اند و به کمک کلمات آن را روی صفحه‌ی کاغذ نقش بسته‌اند، نوشتم. پس علیرغم تأکید وی بر این که این کتاب یک رمان است، در ذهن و جان من چنین نقش بست که این کلمات، یعنی "دل‌پاره‌های دریا" یک رمان و یا داستانی بلند نه، که در نگاهی عمیق‌تر یک شعر بلند به هم پیوسته است و چنین شد که حتی روی جلد کتاب به جای رمان روزگار، عنوان "شعر روزگار" نقش بست که از نظر نویسنده، صحیح نیست و باید "رمان روزگار" می‌بود که البته من مخالفی با این نظر نداشته‌ام و ندارم اما چون بر معنای تفسیری و مفهومی کتاب تکیه کرده بودم و حتی بر ضرباهنگ واژگان و ترکیب‌های بدیع و تصاویر زنده و پویای نویسنده در بسیاری جاها همچنان بر آن بودم که "دل‌پاره‌های دریا" بیشتر شعر روزگار است تا چیز دیگری.

ببینید شروع کتاب را:

دریا، گیسوان نقره‌ای امواج را / به دست نسیم صبح سپرده بود.

تو تنی بر روی زلف موج و نگاه نسیم / بی کسی اش را / انتظار می کشید  
... (دل پاره های ۱)

و یا اواسط متن را :

نمی دانم / خاکستر فردایم / در دهان کدام طوفان، جویده خواهد شد !

و اندوه اندیشه هایم / در تفکر کدام بخت برگشته / جوانه خواهد زد !

(دل پاره های ۵)

و انتهای کتاب را :

کسی به شکل ناله های دردناکم / از دور می آمد / شبیه لحظه های

گوشتی من / و من پنداشتم ... (دل پاره های ۲۶)

"محمد ابراهیم شیخ ویسی" در رمانی هم که می نویسند، شاعر است.

نگاهش، حس و حال اش و چشم های بارانی و دل ساده و موج دریایی اش

به همین دلیل است که من دل پاره هایم را - گرچه رمان است- مدام شعر

پنداشته ام.

محمد عزیزی

۹۴/۸/۱۴

### سخن و سیاست

مجموعه‌ای که در دست شماست به قلم آقای محمد ابراهیم شیخ ویسی به نام (دل‌پاره‌های دریا) به تحریر در آمده است. این نوشته شرح قصه‌ی جانشوز دریای اوست که در ساحل اهورایی‌اش (لورگ باغ) متولد شده است. وی دوران کودکی را در کنار دریای هامون سپری کرده است به علت خشکسالی دریا و سیستان، که منجر به از بین رفتن خانه و کاشانه و زندگی خانواده‌اش شده است، بناچار با خانواده سیستان را به قصد سرزمین گرگان (گلستان امروزی) ترک کرده است.

وی پس از نیم قرن تصمیم می‌گیرد به سیستان برگردد و محل زندگی و جای پای کودکی خود، پدر و مادر و نیاکانش را از نزدیک ببیند. آنچه از روزگار کودکی و آداب و رسوم و فرهنگ گذشته در ذهن دارد با زندگی امروزی ساکنان آنجا مقایسه نموده و به تصویر بکشد. نویسنده با ذهنی وقاد و توانایی قلم فرسایی و بویژه خیال سرشارش نوشته را از درجه‌ی نثر ساده متمایل به نظم سوق داده است. اشعارش و صورخیال متن کتاب، موید این ادعاست. این نوشته ویژگی‌های ممتاز دیگری دارد که خوانندگان عزیز بدون در نظر گرفتن

آنها، لذت کافی و شافی را کسب نخواهند کرد که به طور خلاصه به ذکر آنها می‌پردازیم.

الف) بر اساس (حب الوطن من الایمان) سعی شده، لغت‌ها و ترکیبات و کنایه‌ها و آداب و رسوم و به صورت گویش سیستانی نگارش گردد تا زبان مادری ما زنده و جاویدان بماند.

ب) نمونه‌هایی از صورهای خیال کتاب را به بصورت مجمل مرور می‌کنیم.

۱- تشبیه: مثل سنگی بودم که به هدف نخورده باشم و...

۲- کنایه: ناف بریدن / از تخت پریدن / عشق جار زدن / پیره بستن و

۳- تشخیص: گوش‌هایم شنیدن را به گوش ماهی‌ها داد. / دریا خیره مانده

بود.

۴- متناقض‌نما (پارادوکس): کمی گذشتم از شادمانی اندوه و...

۵- تلمیح و اضافه: داود باد / صبر ایوب / زلیخاترین عشق / قاف خیالی / یوسف

مصر و...

۶- تکرار: طوفانی طوفانی طوفانی / دیوانه... دیوانه... دیوانه /

۷- مراعات‌النظیر: مرگ همه‌ی تختک‌ها، دریا، بیزار، رونگ، چور، بوستونی،

کفترک، و قیقاق ماهی‌ها...

۸- تتابع اضافات: قاصدان سوگوار توتن سوار دریا

۹- سجع: از گز تشنه تیری نسازد، زهرآگین بر چشم رویین تنی نکارد،

مرگبار

و نیز آداب و رسوم- عزاداری و سوگواری- مکان‌های زندگی و تاریخی- نام حیوانات و غذاهای محلی- ابزارهای شکار- حتی نام بازی‌های کودکان را چون زنجیری ناگسستنی در بدنه‌ی این دل نوشته، دلنشین می‌بینیم. شاید بازگشتی زیبا بر سنت‌های فراموش شده که در جان و کلام می‌درخشد، ساکنان دریا را وا دارد که به فرهنگ خویش بیندیشد.

در پایان از همه‌ی ادب دوستان و سیستانی‌های خونگرم تقاضا داریم که در نشر و توسعه‌ی فرهنگ اصیل خودمان بیش از پیش کوشا باشند و چون هیچ نویسنده و ویراستاری نمی‌تواند مدعی باشد که در کارش نقص و ایرادی نیست. حقیر و نویسنده نیز از این قاعده مستثنی نبوده و نخواهد بود. خواهشمند است عیوب را بر اساس نص کریم (اذا مروا بالغومروا کراما) به دیده‌ی اغماض بنگرند.

ناچار شوش بود در میان

تباکر حریر است و کز پرزبان

www.ketab.ir